

مسئله زن  
و مبارزه علیه فرمیسم



نوشته : کلارا ازتکین  
ترجمه : روجا

بخشی از کتاب :

مسئله زن و مبارزه علیه رفرمیسم

نوشته: کلارا زتکین

ترجمه: روجا

تهران شهریور ۱۳۵۸

انتشارات یاز

توضیح مترجم: کتابی که در دست دارید ترجمهٔ بخشی از اثری است از کلارا زتکین تحت عنوان "مسئله زن و مبارزه علیه رفرمیسم".

کلارا زتکین<sup>(۱)</sup> یکی از بنیان گذاران حزب کمونیست آلمان و از رهبران برجسته جنبش کمونیستی زنان بود . نام کلارا زتکین در تاریخ جنبش کارگری آلمان و جهان به عنوان یکی از شخصیت های برجسته به ثبت رسیده است . از اینها گذشته ، شیوه تفکر و نظریات او برای عصر ما از اهمیت بسزائی برخوردار است .

زتکین در این اثر تحت عنوان "مسئله زن و مبارزه علیه رفرمیسم" - که ترجمه بخشی از آن در دست شما است - موقعیت زن را کاملاً در چارچوب های کلاسیک مارکسیستی تحلیل کرده است . فعالیت زتکین بعنوان يك کمونیست ، از سال ۱۸۸۰ تا سال ۱۹۲۳ جنبه های گونا گونی دارد که یکی از مهمترین آنها همانا فعالیت در زمینه مسئله زنان است . به عقیده زتکین آزادی زن یکی از مراحل کسب قدرت سیاسی از جانب طبقه کارگر است که در راه آن ، زن و مرد باید دوش به دوش هم علیه دشمن مشترک خود یعنی سرمایه داری مبارزه کنند . اما این به آن معنی نیست که زنان کارگر نباید از خواسته های جنبش بورژوائی زنان پشتیبانی کنند بلکه تحقق خواسته های این زنان ، یکی از ابزار است که زن کارگر می تواند در راه رسیدن به هدف نهائی خود ( برقراری دیکتاتوری پرولتاریا ) آنرا مورد استفاده قرار دهد .

کلارا آیزنر<sup>(۱)</sup> در سال ۱۸۵۲ تولد یافت. در دوران تحصیل با گروهی از مهاجرین روسی آشنا شد از جمله با اسیپ زتکین<sup>(۲)</sup> که آشنائی اش با وی به ازدواج انجامید.

او در پاریس با شاعر انترناسیونال پوتیه<sup>(۳)</sup>، لوئی میشل<sup>(۴)</sup>، جنی<sup>(۵)</sup> و لائورا مارکس<sup>(۶)</sup>، پل لافار<sup>(۷)</sup> و ... آشنا شده و به همراه آنها فعالیت سیاسی جدیدی را آغاز کرد و در همین رابطه نقش عمده‌ای در انجام کارهای مقدماتی تشکیل انترناسیونال دوم در سال ۱۸۸۹ ایفا نمود.

زتکین در سال ۱۸۹۱ سردبیر ارگان نشریه "زنان سوسیال دموکرات آلمان بنام "برابری"، "DIE-GLEICHHEIT" شد. در سال ۱۸۹۸، در کنگره اشتوتگارت، دوش به دوش، روزا لوکزامبورگ<sup>(۸)</sup> علیه رویزیونیسم برنشتن<sup>(۹)</sup> مبارزه کرد و در سال بعد، در هانوفر<sup>(۱۰)</sup>، نظریات زتکین و لوکزامبورگ و ببل<sup>(۱۱)</sup> مرکز بحث داغ روز قرار گرفت.

همسر کلارا زتکین در سال ۱۸۸۹ فوت کرد و او در سال ۱۸۹۹ با نقاشی بنام جرج - اف - زوندل<sup>(۱۲)</sup> ازدواج نمود که پس از چند سال این ازدواج به متارکه انجامید.

۱ - CLARA-EISNER    ۲ - OSSIP-ZETKIN    ۳ - POTTIER

۴ - LOUISE-MICHEL    ۵ - JENNY

۶ - LAURA-MARX    ۷ - PAUL-LAARGUE

۸ - ROSA-LUXEMBURG    ۹ - BERNSTEIN    ۱۰ - HANNOVER

۱۱ - BEBEL    ۱۲ - GEORG-F-ZUNDEL

www.golshan.com



[www.golshan.com](http://www.golshan.com)

کلارا زتکین در لباس مبدل به صورت یک هنرمند «تئاتر در طول مسافرت  
مخفی اش به میلان به قصد شرکت در کنفرانس حزب سوسیالیست ایتالیا در



تا زمان شروع جنگ، زتکین در تمام کنگره های انترناسیونال دوم شرکت کرد و در سال ۱۹۱۰ در کنگره کپنهاگ<sup>(۱)</sup> روز جهانی زن را پیشنهاد نمود. همزمان با این فعالیت ها، دست به تبلیغات وسیعی علیه امپریالیسم زد. در سال ۱۹۱۹، یعنی سال تشکیل بین الملل سوم زتکین در حزب کمونیست آلمان مشغول به فعالیت شدیدی شد و از این تاریخ به بعد او همواره بیشتر و بیشتر با لنین، که ۱۰ سال قبل از آن او را در مونیخ شناخته بود ملاقات هائی داشت.

زتکین در ماه ژوئن ۱۹۲۳، در سن ۷۶ سالگی چشم از جهان فرو بست.

[www.golshan.com](http://www.golshan.com)

" رفیق ، لنین بارها دربارهٔ مسئله حقوق زنان با من بحث می‌نمود . او بوضوح اهمیت شایانی برای جنبش زنان که بنظر او از اجزای اصلی جنبش توده ای بوده و در شرایط خاص ممکن است حتی تعیین کننده گردد قائل بود . لازم به تذکر نیست که او به برابری کامل اجتماعی زنان با مردان بعنوان اصلی که هیچ کمونیستی آنرا مورد تأیید قرار نمی‌دهد ، می‌نگریست ."

\* \* \*

" اولین گفتگوی طولانی مادر مورد این موضوع در پائیز ۱۹۲۰ - در اطاق کار بزرگ لنین در کرملین انجام گرفت . او پس از خوشامد به من گفت : " ما باید هر طور شده یک جنبش قدرتمند بین المللی زنان بر پایهٔ تئوریک مشخص بوجود آوریم . واضح است که بدون تئوری مارکسیستی نمیتوانیم پراتیک صحیح داشته باشیم . در اینجا هم ما کمونیستها محتاج آنیم که اصول را به بهترین وجهی روشن نمائیم ."

\* \* \*

" . . . . لنین با لبخند ملایمی گفت : " حقیقت دارد ، اعجاب آور است . در پتروگراد ، در همین مسکو و در سایه شهرها و مراکز صنعتی ، زنان پرولتر در طی انقلاب شایستگی شایانی از خود نشان دادند . بنظر من ما بدون آنان یا پیروز نمی‌شدیم و یا به زحمت پیروز می‌شدیم . آنان چه شجاعتی نشان دادند و هنوز هم چقدر شجاع هستند

تصور کن که آنان چه رنج و محرومیتی را تحمل می‌کنند ، اما مقاومت می‌ورزند زیرا که می‌خواهند از شوراها دفاع نمایند ، زیرا که خواستار آزادی و کمونیزم هستند . آری ، زنان کارگر مبارزین طبقاتی بی‌نظیری هستند : "

نقل از کتاب "خاطرات من از لنین :

کلارا زتکین " از انتشارات سازمان

چریکهای فدائی خلق ایران"

صفحات ۱۶ و ۱۷ .

[www.golshan.com](http://www.golshan.com)



- مختصری درباره زتکین . صفحه ۱
- قسمتی از دفتر یادداشت‌های کلارا زتکین ، بخش خاطرات من از لنین . شایان برای جنبش زنان که بطور کامل صفحه ۴
- شرکت زنان در مبارزه برای پیروزی سوسیالیسم امری است اجتناب ناپذیر . در دفتر یادداشت‌ها که او به مبارزه برای کامل صفحه ۷
- مبارزه در راه کسب حق رأی ، به کارگر وجدال سیاسی و طبقاتی می‌بخشد . در دفتر یادداشت‌ها که او به مبارزه برای کامل صفحه ۲۱
- رهنمود برای جنبش کمونیستی زنان — ۱۹۲۰ صفحه ۳۰

شرکت زنان در مبارزه برای پیروزی سوسیالیزم امری است  
اجتناب ناپذیر.

تحقیقات باشوفن<sup>(۱)</sup>، مورگان<sup>(۲)</sup> و دیگران نشان داده است که چگونه [زمان] پیدایش ستم اجتماعی بر زن منطبق با [زمان] پیدایش مالکیت خصوصی است. تضاد موجود در خانواده بین مرد بعنوان فردی دارای مالکیت و زن بعنوان فردی فاقد مالکیت اساس وابستگی اقتصادی و شرایط اجتماعی محسوب می‌شود که سبب تضييع حقوق زن می‌گردد. به عقیده انگلس<sup>(۳)</sup>، در تضييع حقوق زن یکی از قدیمی ترین اشکال حاکمیت نهفته است که در اصل، حاصل تضاد بین طبقات اجتماعی است. انگلس می‌گوید که: "در خانواده، مرد به مثابه بورژوا و زن به مثابه کارگر است." از اینها گذشته [در آن زمان] هنوز از مسئله زن به شکل نوین خود صحبتی نبود. تنها، شیوه تولید سرمایه‌داری بود که زمینه‌دگرگونی اجتماعی را فراهم آورد که شرایط مناسب برای پیدایش مسئله زن به مفهوم نوین اش را ایجاد کرد، به نحوی که سبب ازهم پاشیده شدن اقتصاد کهن خانواده شد که در دوره ماقبل سرمایه‌داری، خود، تأمین کننده وسیله امرار معاش توده عظیم زنان بوده به زندگی آنها مفهوم می‌بخشید. اطلاق مفاهیم منفی از قبیل فقر و یا تنگدستی... به زنان فعال در اقتصاد بومی کهن نادرست است. تا زمانی که خانواده کهن وجود داشت، زن از طریق فعالیت اقتصادی برای زندگی خود مفهومی

می‌یافت و به همین دلیل حتی با رشد فردی بسیار محدودی که داشت، قادر به درک فقدان حقوق اجتماعی خویش نبود.

دورهٔ رنسانس . . . معرفت‌ظهور فرگرائی نوین و ایجاد زمینهٔ مناسب جهت تبلور این فرگرائی در اشکال گوناگون است. در این دوره، اشخاص پرهیبتی را می‌بینیم که در هرشرایطی، خوب یابد، نهادهای مذهبی و اخلاقی را زیر پا گذاشته و به زمین و آسمان و بهشت و جهنم ناسزای می‌گویند، زنانی را می‌بینیم که در مرکز رویدادهای هنری و سیاسی قرار دارند. با اینحال، هیچ نشانی از "مسئلهٔ زن" دیده نمی‌شود. چنین مواردی درست به این دلیل که مربوط به دوره‌ای هستند که طی آن اقتصاد کهن خانواده در اثر پیدایش تقسیم کار، در حال ازهم پاشیدگی است مفهوم ویژه‌ای می‌یابد. [در آن زمان] میلیون‌ها تن از زنان دیگر در قلب خانواده زندگی نمی‌کردند، اما مسئلهٔ زن، اگر با همین عنوان بتوان از آن نام برد، به تناسب ویژگیهای آن دوره در صومعه‌ها و از طریق دستورات مذهبی حل می‌شد.

اما ماشین‌آلات و شیوهٔ تولید نوین به تدریج راه تولید مستقل خانواده را سد کرده و با قرارداددن مسئله جستجوی وسیله جدید امرار معاش در مقابل میلیون‌ها زن . . . آنها مجبور شدند - در جستجوی کار، وارد جامعه شوند. در آن زمان بود که زنان آگاهی یافتند که فقدان حقوق اجتماعی آنها سدی در مقابل کسب خواسته‌هایشان است و از این زمان به بعد مسئلهٔ زن به مفهوم واقعی و نوین خود پدید آمد. ارقام زیر نشان می‌دهند که شیوهٔ تولید نوین تا چه حد درگسترش ابعاد مسئلهٔ زن و جاد شدن آن سهیم است: در سال ۱۸۸۲ - در آلمان، از بین ۲۳ میلیون زن و دختر، ۵ میلیون و نیم کارگر مزد بگیر بودند، به این معنی که تقریباً

یک چهارم از زنان دیگر نمی‌توانستند وسیلهٔ امرار معاش خود را در خانواده تأمین کنند. طبق آمار سال ۱۸۹۵، تعداد زنانی که به مفهوم واقعی کلمه در بخش کشاورزی کار می‌کردند، نسبت به سال ۱۸۸۲ به میزان  $\frac{1}{8}$  افزایش یافته بود و [حال آنکه] تعداد مردانی که در همین بخش اشتغال داشتند به ترتیب به ۳ و ۱۱ درصد کاهش یافته بود. در بخش صنعت و معادن، تعداد زنان تا ۳۵ درصد و مردان فقط تا ۲۸ درصد افزایش حاصل کرده بود در حالی که در بخش تجارت، تعداد زنان بیش از ۹۴ درصد افزایش یافته و افزایش تعداد مردان فقط ۳۸ درصد بود. همین ارقام خام بیش از آن گویا است که جایی برای جستجوی دلایل قانع‌کننده دیگری در تأیید ضرورت فوریت حل مسئله زنان باقی گذارد.

اما مسئله زنان تنهادر بطن آن طبقات اجتماعی ای قرارداد که به نوبه خود، محصول تولید سرمایه‌داری هستند. به همین دلیل در طبقه دهقان با وجود سطح نازل رشد اقتصاد طبیعی این طبقه و در تنگنا قرار داشتن آن، مسئله زن وجود ندارد. در عوض، مسئله زن را در میان آن طبقاتی مشاهده می‌کنیم که خود خالق مستقیم شیوه تولید نوین هستند. می‌بینیم که مسئله زنان برای زنان کارگر، زنان بورژوازی - متوسط و خرده بورژوا و اشرار روشنفکر و بورژوازی بزرگ، برحسب کیفیت و چگونگی شرایط طبقاتی این گروه‌ها، ویژگیهای متفاوتی می‌یابد.

برای زنان بورژوازی بزرگ، مسئله زن چگونه متبلور می‌شود؟ این زنان به دلیل رفاه ناشی از ثروتشان می‌توانند آزادانه به رشد فردی خود بپردازند و در جهت خواسته‌هایشان حرکت کنند. اما به مثابه همسر، آنها هنوز به مردان وابسته‌اند . . . . .

خانواده بورژوازی بزرگ که زن قانوناً "زیر دست شوهرش قرار

دارد معرف چه چیزی است؟ چنین خانواده ای از همان ابتدای تشکیل، فاقد هرگونه معیار معنوی و اخلاقی است. [در این خانواده] ازدواج بر اساس پول صورت گرفته است و نه بر اساس خواسته های معنوی و طرف، به این معنی که ازدواجی که بر اساس سرمایه صورت می گیرد نمی تواند اخلاقی معنوی را در خود جای دهد. . . . چنین محتوای، شیوه زندگی متناسب خود را نیز ایجاد می کند. جایی که زن مجبور به انجام وظائف همسری، مادری و امور مربوط به خانه خود نباشد، این وظائف را به فردی محول می کند که در ازای انجامشان مزد دریافت می دارد. اگر زنان [متعلق به] این اقشار می خواهند که به زندگی خود معنسی و مفهومی ببخشند قبل از هر چیز باید بتوانند به نحوی آزاد و مستقل خواستار آن چیزی بشوند که حق آنها بوده و از آنان دریغ شده. به این طریق، چنین خواسته هایی در میان زنان پیشرو بورژوا طرح می شود. آنها برای کسب حقوقشان، علیه دنیای مردان هم طبقه خود مبارزه می کنند و مبارزه آنها دقیقاً همان مبارزه ای است که بورژوازی علیه اقشار امرغه انجام داد. مبارزه برای از بین بردن تمامی تبعیضات اجتماعی ای که پایه های آنها در ثروت بنا شده.

ویژگی های مسئله زن در بین اقشار بورژوازی متوسط، خورده - بورژوازی و روشنفکران بورژوازی چگونه است؟ در اینجا خانواده در حقیقت به دلیل وجود پدیده های ملازم (۱) سرمایه داری از هم پاشیده می شود و نه به دلیل مالکیت؛ و همزمان با رشد این پدیده ها، بورژوازی متوسط و خورده بورژوازی به سوی از هم پاشیدگی می روند. در میان روشنفکران بورژوا، شرایط دیگری حاکم است که باعث وخامت زندگی آنها

۱- پدیده هایی که الزاماً در رابطه با رشد سرمایه داری بوجود می آیند. (م)

می‌شود: سرمایه به نیروی کار فکری و از نظر علمی، آماده نیاز دارد و در این راه تعدادی کارگر فکری مازاد بر نیاز تربیت می‌کند و به این طریق دگرگونی منفی نیز در موقعیت اجتماعی افرادی که در گذشته از حرفه‌های آزاد بسیار متداول و سودآور برخوردار بودند ایجاد می‌کند. اما به همین تناسب تعداد ازدواج‌ها نیز تقلیل می‌یابد. به این دلیل که اگر از یک طرف شرایط مادی لازم برای ازدواج سخت‌تر شده است از طرف دیگر نیازهای معنوی افراد افزایش یافته. و به این ترتیب، مردان متعلق به این اقشار، قبل از تصمیم به ازدواج درباره آن بسیار مطالعه می‌کنند، محدودیت سنی برای تشکیل خانواده هر روز ابعاد وسیعتری پیدا می‌کند و مرد نیز همواره تمایل کمتری نسبت به ازدواج پیدا می‌کند. و از طرفی نیز امروزه، به دلیل نظام اجتماعی موجود، مرد مجرد می‌تواند زندگی‌ای راحت و بدون نیاز به یک همسر قانونی را داشته باشد. . . . و به این ترتیب تعداد زنان مجرد اقشار متوسط پورژوازی همواره روبه افزایش است. زنان و بزرگسالان این اقشار وارد اجتماع می‌شوند برای اینکه بتوانند آن‌چنان شرایطی را برای خود ایجاد کنند که فقط تأمین کننده وسیلهٔ امرار معاش آنها نباشد بلکه از نظر معنوی نیز آنها را ارضاء نماید. در این اقشار، زن در مقایسه با مرد به مثابه کالائی که جنبهٔ شخصی دارد محسوب نمی‌شود، [واما] همچون زن در اقشار کارگری نیز، به مثابه کارگر به حساب نمی‌آید.

در طبقات متوسط، زن باید بیش از هر چیز برابری اقتصادی با مرد را کسب کند. که این به دو طریق میسر است، اول کسب حقوق برابر با مرد در زمینهٔ حق اشتغال به حرفه و دیگر کسب حقوق برابر با او در مراحل عملی این حرفه. از دیدگاه اقتصادی، چنین حقوقی به جز تحقق آزادی در حرفه و رقابت بین زن و مرد مفهوم دیگری ندارد. تحقق



چنین خواستی سبب بروز تضاد منافع بین مردان و زنان [قشر] بورژوازی متوسط و افرادی که به نحوی از انحاء به کارفکری اشتغال دارند می‌شود. رقابت زنان در حرفه های آزاد سبب ایجاد مقاومت در مردان علی‌هه خواسته های زنان طرفدار جنبش بورژوائی زنان<sup>(۱)</sup> می‌شود. دلیل چنین مقاومتی فقط وحشت از رقابت است، نه دلایلی که علیه کارفکری زنان عنوان می‌شود از قبیل: عدم توانائی فکری زن در مقایسه با مرد و انجام حرفه طبیعی و وظائف مادری. اینها فقط دلایل پوچی هستند که به منظور قلب واقعیات عنوان می‌شوند. چنین رقابتی سبب می‌شود که زنان این اقشار، به منظور سرکوبی عواملی که سد راه فعالیت اقتصادی آنها می‌شود، خواهان حقوق سیاسی شوند.

تا اینجا، تنها خطوط اصلی و صرفاً اقتصادی مسئله را برشمردیم. اما اشتباه است اگر جنبش زنان بورژوا را تنها در محدوده عوامل اقتصادی مورد بررسی قرار دهیم، چنین جنبشی دربرگیرنده وجه عمیق تری است که وجه اخلاقی و معنوی است. زن بورژوا فقط خواهان تأمین امرار معاش نیست بلکه خواهان حیات معنوی و رشد شخصیت خویش است. دقیقاً در این اقشار است که ما شاهد صحنه های غم‌انگیز و از نظر روان شناسی جالب توجه از زنانی هستیم که از زندگی عروسکی درخانه عروسکان خسته شده اند و [از آن پس] می‌خواهند در رشد و توسعه فرهنگ نوین سهمی داشته باشند. خواسته های زنان طرفدار جنبش بورژوائی زنان، همانطور که از دیدگاه اقتصادی موجه می‌باشد، از دیدگاه معنوی و اخلاقی نیز قابل توجه است.

و اما در رابطه با کارگر زن، مسئله زن براساس نیاز سرمایه در

استثمار نیروی کار و جستجوی مداوم یافتن نیروی کار ارزانتر... شکل می‌گیرد. و به این ترتیب زن کارگر وارد مکانیزم زندگی اقتصادی امروز شد و به درون کارگاهها و به زیر یوغ ماشینها کشیده می‌شود. او به منظور کمک به شوهر خود وارد زندگی اقتصادی می‌شود: [اما] شیوه تولید سرمایه‌داری او را به یک رقیب عهد شکن تبدیل کرده است؛ او می‌خواست به رفاه خانواده کمک کند اما سبب تشدید شرایط بد خانواده شد؛ کارگر زن می‌خواست درآمدی داشته باشد تا سرنوشت بهتری برای فرزندانش بسازد، اما تقریباً همیشه [مجبور است] از فرزندانش جدا باشد. او به یک نیروی کار کاملاً مساوی با مرد تبدیل شده: [اختراع ماشین - آلات سبب شد نیروی کار عضلانی به میزانی مازاد به احتیاج برسد و در هر موردی، کار زن توانست همان حاصل تولیدی کار مرد را دربر داشته باشد. از اینها گذشته و بالاتر از همه، چون این نیروی کار بر اساس تقاضای کارگر [زن] در اختیار سرمایه‌داران گذاره می‌شود و [بنا بر این] مقاومت در مقابل استثمار سرمایه‌داران نیز بندرت صورت می‌گیرد، سرمایه‌داران به منظور استفاده از کار صنعتی زنان در بالاترین حد خود، امکانات جذب آنها را به مراتب افزایش داده‌اند. متعاقب آن، زن - کارگر به این ترتیب موفق به کسب استقلال اقتصادی خود شد، اما هیچ امتیازی عاید وی نگردید. اگر در دوره خانواده مرد سالاری، مرد حق داشت با بهانه‌های توجیه شده زن خود را با شلاق چرمی تنبیه کند، [حال] سرمایه‌دار او را با شلاق خاردار تنبیه می‌کند. در آن زمان بر اساس روابط شخصی تسلط مرد بر زن از حد و مرز معینی برخوردار بود در صورتیکه رابطه بین کارگر و کارفرما فقط یک رابطه کالائی است. کارگر زن موفق به کسب استقلال اقتصادی خود شده است اما او چه به مثابه فرد، چه به مثابه زن و چه مثابه همسر، امکان رشد خود را ندارد. و

انجام وظایف همسری و مادری او [نیز] تنها تا آن حد امکان پذیر است که تولید سرمایه‌داری اجازه دهد .

به همین دلیل ، مبارزهٔ رهایی بخش زن کارگر نمی‌تواند با مبارزهٔ زن بورژوا علیه مرد هم طبقه اش شباهتی داشته باشد ، برعکس ، مبارزهٔ زن کارگر مبارزهٔ ای است به همراه مرد هم طبقه اش علیه طبقه سرمایه داران . کارگرن برای نابودی عواملی که به دلیل رقابت آزاد در سر راه او قد علم کرده اند ، احتیاجی به مبارزه علیه مردان هم طبقه اش ندارد . نیاز سرمایه داری به استثمار و رشد شیوهٔ نوین تولیدعواملی هستند که زن کارگر را به این مبارزه می‌کشانند . و درست همین عواملی سدی در راه استثمار کارگر زن می‌شوند ، حقوق همسری و مادری کارگر زن نیز از جمله حقوقی هستند که در این مبارزه کسب و تضمین می‌شوند . هدف اصلی مبارزهٔ کارگر زن ، رقابت آزاد با مرد نیست بلکه کسب قدرت سیاسی از جانب طبقهٔ کارگر است . کارگر زن دوش به دوش مرد هم طبقه اش علیه جامعهٔ سرمایه‌داری مبارزه می‌کند . تمامی اینها به این معنی نیست که او نباید از خواسته های جنبش زنان بورژوا پشتیبانی کند ، اما تحقق این خواسته ها برای او فقط به مثابهٔ یک وسیله در راه رسیدن به هدف است ، برای ورود به مبارزه با داشتن سلاح مساوی و دوش به دوش کارگر مرد .

جامعه بورژوازی در مقابل خواسته های جنبش زنان بورژوا بطور قاطع ایستادگی نمی‌کند : این امر از اصلاحاتی که به نفع زنان در بخش حقوق عمومی و فردی در برنامهٔ دولت های مختلف گنجانده شده بخوبی مشهود است . در آلمان ، این اصلاحات با کندی بسیار به مرحله اجرا درمی‌آیند و این از یک طرف به دلیل مبارزهٔ زنان در زمینهٔ اقتصادی و رقابت در مشاغل آزاد است ، که مردان از آن هراس دارند ، و از طرف

دیگر، به دلیل رشد بسیار کند و ناقص دموکراسی بورژوازی در آلمان است که از ترس کارگران نمی‌خواهد وظیفه‌ای را که تاریخ به او محول کرده است انجام دهد و از اینکه اصلاحات صرفاً به نفع سوسیال دموکراسی تمام شود واهمه دارد. یک دموکراسی بورژوازی تا آن درجه آماده انجام اصلاحات است که خودش متضرر نشود. چنین موردی در انگلستان، تنها کشوری که دارای یک بورژوازی قوی و پرتوان است تحقق یافته است. حال آنکه بورژوازی آلمان که از طبقه کارگر وحشت دارد، حاضر به انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی نیست. از طرفی در آلمان، موضع خورده بورژوازی هنوز بسیار مبهم و نا روشن است. . . . .

وحشت دموکراسی بورژوازی طبیعتاً با دیدی کوتاه بینانه همراه است. حتی اگر زنان به سطح سیاسی برابر با مردان برسند، هیچ چیز در روابط جامع قدرت تغییر نخواهد کرد. زن کارگر حامی طبقه کارگر و زن بورژوا حامی طبقه بورژوازی است. ما نباید فریب گرایشات سوسیالیستی موجود در جنبش زنان بورژوا را بخوریم. زنان بورژوا تنها تا زمانی که تحت ستم قرار دارند به سوی این گرایشات کشیده می‌شوند.

هر اندازه دموکراسی بورژوازی کمتر به انجام وظائف خود بپردازد، به همان میزان وظیفه ایجاد برابری سیاسی زنان با مردان بیشتر به عهده سوسیال دموکراسی محول می‌شود. ما نمی‌خواهیم خود را اصیل‌تر از آنچه هستیم نشان دهیم، و برای نشان دادن واقعیت و ماهیت اصول نیست که این خواست را داریم بلکه آن اصول را به نفع طبقه کارگر می‌دانیم. هر اندازه انطباق مبارزه سیاسی بر زندگی فرد عمیق‌تر باشد، به همان میزان نیز لزوم تسریع شرکت زنان در مبارزه بیشتر احساس می‌شود. برای اولین بار قوانین سوسیالیستی به میلیون‌ها زن مفهوم اصطلاحاتی از قبیل حق طبقاتی، دولت طبقاتی

و حاکمیت طبقه را آموختند؛ برای اولین بار میلیونها زن را نسبت به قدرت و توانی که به بدترین شکل خود در خانواده نفوذ کرده است، آگاه ساختند. قوانین ضد سوسیالیستی کاری را انجام دادند که صدها مبلغ هرگز نمی توانستند به انجام رسانند. و ما صادقانه نسبت به کارگزاران قوانین ضد سوسیالیستی حق شناس هستیم: به همین ترتیب نیز از تمام بخشهای دولتی، از وزیر گرفته تا پلیس که در تحقق این قوانین همکاری داشتند و به خاطر فعالیتهای تبلیغی ناخواسته آنها، سپاسگزاریم و تازه می گویند که ما سوسیالیستها سپاسگزار نیستیم!

بادآوری مورد دیگری ضرورت دارد، منظورم انتشار کتاب زن و سوسیالیسم: اثر اگوست ببل<sup>(۱)</sup> است. اهمیت این اثر به دلیل نکات مثبت و با نقائص آن نیست، بلکه به دلیل مقطع زمانی ای است که این اثر در آن منتشر شد. این اثر چیزی بیش از یک کتاب است، یک رویداد است. در این کتاب برای اولین بار رابطه بین مسئله زن و تکامل تاریخی برای رفقا روشن شد، برای اولین بار مطرح شد که ما زمانی خواهیم توانست آینده را از آن خود سازیم که زنان دوش به دوش مردان مبارزه کنند. این ارزشی است که من بعنوان یک رفیق حزبی و نه به عنوان یک زن، برای این اثر قائل هستم.

حالا، وظائف ما برای به حرکت درآوردن زنان کدامند؟ وظیفه یک کنگره ارائه پیشنهادات عملی، مجزا و انتزاعی نیست، کنگره تنها می تواند یک جهت کلی به جنبش زنان کارگر بدهد:

اصل رهنمود باید به این ترتیب باشد: هیچ تبلیغ خاصی که صرفاً مسئله زن را مطرح می کند نباید صورت بگیرد. باید در بین آنها

سوسیالیزم تبلیغ شود . نباید خواسته های پیش پا افتاده دنیای زنان را در ردیف اول خواسته ها قرار داد : وظیفه ما جذب زنان کارگر به مبارزه طبقاتی است . تبلیغ بین زنان در برگزیده وظایف خاصی نیست . اجرای اصلاحات مربوط به حقوق زنان در نظام اجتماعی موجود در برنامه حداقل حزب ما گنجانده شده .

به حرکت درآوردن زنان باید همراه با مسایلی باشد که برای تمامی جنبش کارگری اهمیت درجه اول دارد . وظیفه اصلی همانا شکل گیری وجدان طبقاتی در زن و جذب او به مبارزه طبقاتی است . تشکیلات سندیکای کارگران با مشکلات و سختی های فراوان روبرو است . از سال ۱۸۹۲ تا سال ۱۸۹۵ تعداد زنان کارگر در سازمانهای مرکزی به ۷۰۰۰ نفر رسید . اگر به این تعداد کارگرانی را که در سازمانهای محلی نام نویسی کرده اند اضافه کرده و سپس آنها با تعداد کارگرانی که تنها در کارخانه های بزرگ صنعتی مشغول کار هستند و مجموع آنها به ۷۰۰۰۰ نفر می رسد مقایسه کنیم ، تصویری از میزان کار عظیمی که باید در سندیکا انجام گیرد بدست خواهیم آورد . انجام چنین مهمی در بین زنان مشکل است چرا که بسیاری از آنها در صنعت خانگی مشغول به کار هستند . از اینها گذشته باید علیه آن نظریه رایج بین دختران جوانی که تصور می کنند کار [ آنها در کارخانجات ] صنعتی يك فعالیت گذرا است و با ازدواج خاتمه می یابد ، مبارزه کنیم . برای بسیاری از زنان اجبار به کار همزمان در خانه و کارخانه يك بار مضاعف است . به همین دلیل تشبیه روز قانونی کار برای کارگران اجتناب ناپذیر می باشد . در صورتیکه در انگلستان ، همه بر سر این امر توافق دارند که حذف صنعت خانگی ، تشبیه روز قانونی کار و دریافت دستمزد بیشتر از جمله مهمترین خواسته های تشکیلات سندیکائی کارگران محسوب می شوند ، در آلمان



علاوه بر موانع ذکر شده باید دخل و تصرف در قوانین و عدم اجسرای کامل قوانین مربوط به حق تشکیل جلسات و اجتماعات را نیز اضافه کرد .  
وجود چنین شرایطی ، تشکل زنان را همراه مردان غیر ممکن می‌سازد . اگر ما خواهان ایجاد تشکیلات قوی ای از زنان در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی هستیم در درجه اول باید از راه مبارزه علیه صنعت خانگی به کسب آزادی تحرك به منظور تقلیل مدت زمان کار [درخانه] و در درجه اول علیه آنچه که طبقات حاکم می‌خواهند آنرا حق اجتماعات بنامند ، نائل شویم .

اشکال ایجاد تحرك در بین زنان نمی‌تواند در این کنگره تعیین شود ، ما باید قبل از هر چیز به شیوه‌های ایجاد تحرك در بین آنها تسلط داشته باشیم . راه حل پیشنهادی ، در درجه اول باید با انتخاب تعدادی از زنان مجرب و قابل اعتماد ، که بتوانند وظیفه ایجاد تحرك و هدایت زنان به شکلی واحد و برنامه ریزی شده در تشکیلات صنفی و اقتصادی را به عهده گیرند ، صورت پذیرد . این پیشنهاد جدیدی نیست ، این پیشنهاد قبلاً نیز در "کنگره فرانکفورت" مطرح شده و در بعضی از مناطق نیز از نتایج موفقیت آمیزی برخوردار گشته ، [حال] خواهیم دید آیا اجرای چنین برنامه ای در سطح وسیع خواهد توانست زنان را به شکل توده ای در بطن جنبش کارگری گرد آورد یا [نه] .

ایجاد تحرك در میان زنان نمی‌تواند تنها از طریق بحث صورت پذیرد . بسیاری از زنان بی تفاوت به جلسات ما نمی‌آیند ، تعداد فراوانی از زنان و مادران نخواهند توانست در سمینارهای ما شرکت کنند . ایجاد گرایشات سوسیالیستی و تحرك بین زنان به معنی [بازداشتن و یا] دورکردن زن کارگر از انجام وظائف مادری و همسری-اشان نیست ، برعکس این تحرك باید به طریقی صورت گیرد که آنها